

اصول استفاده از نسخه های خطی و قدیمی در نگارش مقالات نوین

دکتر سید محمود طباطبایی^{۱*}، دکتر عبدالجلیل کلاتر هرمزی^۲

^۱ مرکز تحقیقات روانپزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
^۲ گروه جراحی پلاستیک و ترمیمی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی

مقدمه

امروزه یک پژوهشگر یا نویسنده برای نگارش مقاله در هر موضوعی که باشد کافی است از طریق رایانه وارد سایت مورد نظر خود شود و آنچه را که می خواهد از دهها یا حتی صدها منبع پیدا کند و پس از انتخاب و با انسجامی که بین آنها و داده های خود ایجاد می کند مقاله ای با دهها منبع تهیه نماید. پژوهشگر واقعی باید پیشکسوت یا پیشکسوتان موضوع تحقیق خود را بشناسد و از دامنه کار آنان اطلاع کافی داشته باشد. از طرفی باید توجه داشت که برخلاف استفاده از متون جدید، که دسترسی به منابع آن سهل و ساده است، استفاده از متون قدیمی سه مشکل اساسی در زمینه دسترسی به منابع اولیه، تسلط به زبان اصلی و شیوه مقایسه تطبیقی و ارجاع دادن به منابع دارد. این عوامل نه تنها استفاده از متون قدیمی را نسبتاً دشوار ساخته، بلکه به علت برداشت های نادرست و تحریف شده، پیامدهای نادرست و غیرقابل انتظاری را پدید خواهد آورد که به نفع بازشناسی میراث فرهنگی پرافتخار و غرور آفرین نیاکان ما نخواهد بود. براین اساس و با توجه به اینکه شیوه استخراج و استفاده از متون قدیمی با متون جدید، تفاوت های اصولی دارد، ممکن است در خیلی از موارد با اصول نگارش متداول و رایج مطابقت نداشته باشد. نویسندگان مقاله، موضوع را به بحث گذاشته تا شاید بتوان از این رهگذر بین متون قدیم و جدید پیوندی برقرار ساخت.

هدف و اهمیت استفاده از متون قدیمی

هر شاخه از علم و پدیده های علمی، دارای یک فرآیند تکاملی است که بر مبنای خاصی و پس از طی مراحل به علم تبدیل و

مورد استفاده قرار می گیرد. از طرف دیگر نوید خداوندی است که بشر به عنوان اشرف مخلوقات در مسیر تکاملی حرکت نماید. این امر خطیر موقعی تحقق می یابد که از همه تجربیات گذشتگان استفاده کنیم و مخصوصاً بعضی نظریات، افکار و گفته های بزرگان را که پیگیری نشده یا به فراموشی سپرده شده، مجدداً مورد بررسی و توجه قرار دهیم. البته امروزه با ابزارها و دید علمی وسیع تر، بررسی تجربی و عینی آن تفکرات و گفته ها و تجربیات مطروحه ساده تر، عملی تر و منطقی خواهد بود.

خیلی از علوم معاصر که در دانشگاه ها تدریس و در کارهای روزمره بکار گرفته می شوند، در واقع بر پایه هایی از علوم قدیمی استوار بوده و پس از تأیید مجدد، با کیفیت و غنای بالاتری مورد استفاده قرار می گیرند.

منابع و مآخذ در واقع شاهدان اصلی پژوهش گر می باشند و معرفی این منابع و مآخذ در واقع پایه و ستون تحقیق تلقی می شود و هرچه کمیت و کیفیت منابع بیشتر و بهتر باشد، نشانگر ارزش و اهمیت آن تحقیق بشمار می آید. در بررسی منابع و مآخذ یک تحقیق علمی، جدید بودن منابع آن، الزاماً به تحقیق اعتبار نمی دهد، بلکه استفاده از متون قدیمی نیز جایگاه خود را داشته و استفاده و احیاء علوم قدیمی مورد تأیید و تأکید پژوهشگران می باشد.

استفاده از منابع و متون قدیمی، یک نوع بازگشت به اصالت و هویت خویش و خودباوری است و مخصوصاً در این روزگار و شرایطی که با تهاجم فرهنگی روبرو هستیم، این بازنگری میراث گذشته می تواند موجبات افزایش اعتماد، ایمان و عقیده پژوهشگران و نسل جدید به ثروت خود باشد. به گفته لسان الغیب:

سالها دل طلب جام جم از ما می کرد

آنچه خود داشت، ز بیگانه تمنا می‌کرد

اصول استفاده از متون قدیمی

۱) تسلط به زبان و داشتن تخصص در موضوع مورد تحقیق پژوهشگری که می‌خواهد از آثار علمی پیشینیان دستاوردی برای مجامع علمی و دانشگاهی معاصر به ارمغان آورد و ارزش و غنای آن گنجینه‌های پنهان را آشکار و به تائید برساند، لازم است علاوه بر دسترسی به منابع اصیل و قدیمی‌ترین نسخه‌ها و تسلط به زبان و ادبیات عرب، از توانایی‌های تخصصی متعدد و اطلاعات گسترده‌ای برخوردار باشد تا نتیجه هرچه بهتر و قابل قبول‌تری ارائه نماید. در غیر اینصورت، دستاوردی ارائه خواهد شد که یا ارزش موزه‌ای خواهد داشت و یا تنها عده معدود و انگشت‌شماری می‌توانند از آن استفاده نمایند و این خلاف مقصود است.

نمونه بارز این مطلب، ترجمه کتاب قانون ابن سیناست که ضمن ارج نهادن به مترجم مخلص، فاضل و زحمتکش آن که بخش عمده‌ای از عمر عزیز خود را صرف ترجمه آن کتاب کرده و آن اثر بصورت یک منبع تحقیق برای گروهی از پژوهشگران درآورده، توجه خواننده محترم را به این نکته جلب می‌کند که خود مترجم روانشاد فرموده است که «مرا در علم طب قدیم و حدیثش هیچ سررشته نیست» (۱).

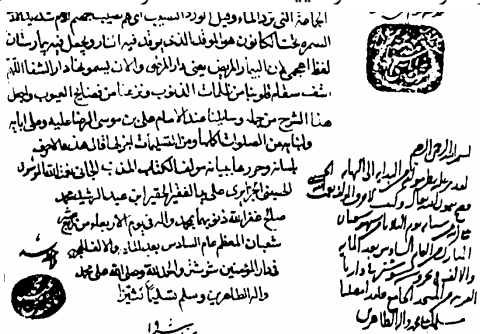
البته اولین شرط استفاده از متون طبّی قدیمی تسلط کامل به زبان و ادبیات عرب است، زیرا هم‌چنان که امروزه زبان انگلیسی به عنوان زبان علم شناخته می‌شود، در سده‌های پیشین بویژه دوران شکوفائی تمدن اسلامی، زبان عربی جایگاه برتر را داشت و مهم‌ترین امتیاز یک اثر علمی آن بود که به زبان عربی نوشته شده باشد. در همین رابطه با کمال تأسف، سخنی از ابوریحان بیرونی یافت شده که نمی‌توان آنرا - اگرچه حقیقت تلخی مربوط به آن مقطع از زمان است - توجیه و قبول کرد. وی در مقدمه کتاب الصیدنه خود آورده است: الهجو بالعربیّه احب الیّ من المدح بالفارسیّه یعنی «شنیدن دشنام به زبان عربی برای من بهتر از ستایش به زبان فارسی است» (۲). افزون بر همه اینها، برخی از دانشمندان برجسته آن زمان سعی داشتند کتاب‌های خود را هرچه پیچیده‌تر بنویسند تا درک مطالب مهم و ارتقاء به مراتب علمی بالاتر برای هرکسی میسر نباشد و تا از شایستگی دانشجویی مطمئن نشوند، رموز آن شاخه از علم را به وی نسپارند. زیرا معتقد بودند:

تیغ دادن بر کف زنگی مست
به که دادن علم را ناکس به دست

از این دسته می‌توان منطق تفتازانی و صمدیه شیخ بهائی را نام برد. گفته‌اند که مرحوم ملا هادی سبزواری رحمه الله علیه همواره این بیت را در حوزه درس خود تکرار می‌کرد و چنانچه شخصی را واجد شرایط نمی‌دانست، او را از حضور در کلاس درسش محروم می‌کرد. بنابراین طبیعی است در دانش پزشکی که سروکار فراگیران با تن، جان، نوامیس و دارائی انسانهاست، نگذارند به آسانی هرکسی از همه رموز آن دانش آگاه شود و به سوءاستفاده بپردازد. در نتیجه کتاب‌های پزشکی هرچه بیشتر پیچیده‌تر نوشته می‌شدند و برای فهم آنها نیاز به طبیب حاذق، باتجربه و کارآموده بود. البته خالی از فایده نیست که بدانیم اساساً رشته پزشکی از زمان بقراط به بعد، رسماً دو بخش نظری و عملی داشت (۳) و شیوه نوین آموزش پزشکی که مبتنی بر علوم پایه و بالینی است، ادامه همان فرهنگ پیشینیان است.

۲) تأیید اثر علمی توسط نویسنده اصلی

یکی دیگر از نکات مهم در استفاده از متون قدیمی این است که پژوهشگر به نسخه اصل یا نسخه‌ای که هرچه بیشتر به زمان نویسنده نزدیک‌تر باشد و یا توسط فرد آشنا به رموز و اصطلاحات علمی، نوشته یا تأیید شده باشد، دسترسی داشته باشد. نمونه‌ای که در حال حاضر در دسترس نویسندگان مقاله است، کتاب شرح عیون الاخبار تالیف علامه جزایری است که به وسیله یکی از شاگردان مولف نوشته شده و خود مولف، آن را خواننده و تأیید کرده است (۴).



البته همیشه این‌چنین نیست و بسیاری از قدیمی‌ترین نسخه‌های خطی موجود، توسط خود مولف نوشته نشده و حتی سال‌ها پس از فوت او گردآوری شده‌اند. مثلاً تاکنون هیچ نسخه مستندی از کتاب‌های ابن سینا به خط خودش یافت نشده است. با این توضیحات، کار پژوهشگر برای قضاوت درباره نظریات و آراء پیشینیان بسیار دشوار می‌شود، بویژه اگر بدانیم که نسخه یا نسخه‌های اصلی یک کتاب ارزشمند توسط فرد ناآشنا به اصطلاحات و رموز علمی نگاشته شده است. نمونه بسیار جالب در این رابطه کتاب صیدنه ابوریحان بیرونی

نسخه فرهنگستان	
۷۴ الحاروی - داروهای مفرده	اسفای
	افاسیر ^۳
	السر ^۱
	انیسرون ^۲
جالینوس در مقاله ششم گوید: اندکی سردکننده است و رطوبت مائی دارا می‌باشد. می‌دارد.	
نسخه دانشگاه تهران	
حرف الف، الحاروی / جلد بیستم	
۱۷ - الافرئوسقون ^۲	[Elaphoboskon]
۸۱ - افانثیون ^۲	[Akanthion]
۸۶ - السینی ^۱	[Alsine]
۱۱۰ - افیمیدیون ^۳	[Epimedion]
جالینوس در گفتار ششم آورده است: این دارو، اندکی سردکننده، همراه با ویژگی رطوبت آبی است، مقصر (موضعی) آن پستان‌ها را در حد طبیعی و خوشایندی برآمده و برجسته نگه می‌دارد.	

است که توسط شخصی به نام غضنفر تبریزی در سال ۶۷۸ هجری تحریر شده است. غضنفر در پایان نسخه خود تاکید کرده است که نسخه قبلی کتاب، دارای اغلاط بسیار زیادی بوده و بخش عمده‌ای از وقت خود را صرف بازنگری و تصحیح آن کرده و مشقت و رنج بسیاری را متحمل شده است (۲). مثال با ارزش دیگر، نسخه بسیار نفیس موزه گلستان از کتاب دیسکوریدس است که توسط خطاطی به نام محمد باقر الحافظ در سال ۱۰۳۸ هجری نوشته شده و در پایان آن تاکید کرده که اگرچه همه کوشش خود را برای تصحیح و اصلاح نواقص آن بکار برده، اما اگر در آن، بازم اشتباهاتی دیده شد، او را سرزنش نکنند، زیرا نسخه‌ای که وی از آن استفاده کرده، بسیار کهنه و آسیب دیده بوده است (۵،۶). البته نگارنده اول این مقاله، هر دو نسخه را دیده و تحقیقات گسترده و مفصلی بر روی آنها انجام داده است که در زمان مناسب ارائه خواهند شد.

نمونه‌های دیگری که می‌توان در اینجا مطرح کرد، ترجمه جلد‌های ۲۰ و ۲۱ کتاب الحاروی رازی است که توسط فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده و به دلیل عدم استفاده از منابع اصلی کتب طب سنتی و عدم تطبیق با علوم نوین، بسیاری از اغلاط نسخه عربی به همان صورت نقل شده‌اند (۷). از همین کتاب، ترجمه دیگری بوسیله دانشگاه تهران چاپ شده که اکثریت قریب به اتفاق کلمات و عباراتش با منابع اصلی - که رازی برای نگارش کتابش از آنها استفاده کرده - مقابله و تصحیح شده‌اند (۸). تصویر نمونه‌های آن به شرح زیر است:

۳) استنساخ

در طول تاریخ گذشته تا پیش از اختراع صنعت چاپ، تکثیر کتاب‌ها از طریق «استنساخ» یعنی «نوشتن نسخه جدید از روی نسخه قبلی» توسط افرادی انجام می‌شد که غالباً خوش‌خط و تندنویس حرفه‌ای بودند و معمولاً از دانش تخصصی، بهره‌چندانی نداشتند، در نتیجه در هر صفحه از دست‌نویس خود ممکن بود اغلاط متعددی ایجاد کرده، بجز اهل علم و افراد صاحب‌نظر، کس دیگری نتواند صورت صحیح کلمات و اصطلاحات تخصصی و ویژه را بفهمد. از همین رو، واژه‌های غلط یا تحریف شده، از یک نسخه به نسخه بعدی منتقل شده، در نسخه بعدی هم علاوه بر اغلاط قبلی، اغلاط جدیدی اضافه می‌شد و به نسخه بعدی منتقل می‌گردید. با این ترتیب، پس از گذشت چندین قرن، خواندن متون قدیمی و پی بردن به صورت صحیح و اصل کلمات، غالباً کار بسیار دشوار و در برخی از موارد غیرممکن می‌شد. موارد زیر، گواه‌های خوبی بر این مدعی هستند:

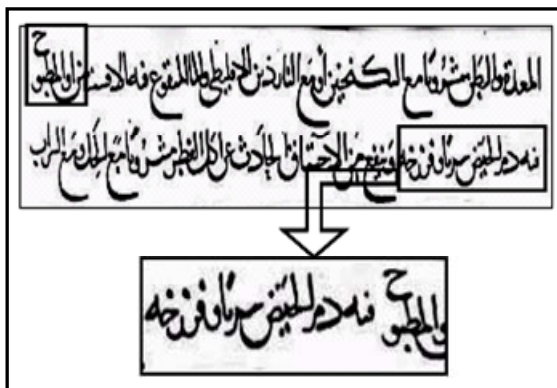
• با توجه به اینکه کتاب دیسکوریدس (یعنی مهم‌ترین منبع علمی دانشمندانی همچون رازی، ابن سینا، بیرونی و نظائرشان) (۹) از مهم‌ترین آثار میراث فرهنگ بشری در دانش پزشکی، گیاه‌شناسی، داروسازی سنتی، جانورشناسی و سم‌شناسی است، پس از ارزیابی دقیق و تخصصی توسط

است (۵،۶). با توجه به موارد فوق، می توان به اهمیت نقطه گذاری پی برد.

* نادرست بودن مفهوم و محتوای عبارات بعلت نواقص ناشی از بی دقتی و کم توجهی نسخه نویس. مثال شگفت انگیز، گفتار سوم کتاب دیسکوریدس است که ضمن بیان ویژگی های درمانی افسنتین، ذکر کرده است:

«و الماء المنقوع فيه الأفسنتين أو المطبوخ فيه دم الحیض شرباً و فرزجاً و ینفع من الإختناق الحادث عن أكل الفطر مشروباً مع الخل».

یعنی «آشامیدن و یا مصرف موضعی آبی که افسنتین را در آن خیسانده یا خـون حیض را در آن جوشانده باشند، همراه با سرکه، برای درمان خفگی ناشی از خوردن قـارچ (سـمـی) سودمند است»! در اینجا تصویری از موضوع مورد بحث عیناً آورده شده است:



در تصویر فوق، نمونه ای از اغلاط شگفت انگیز نسخه خطی کتاب دیسکوریدس، ترجمه مهران بن منصور در حدود قرن ۸-۷ هجری ملاحظه می شود. این نسخه از نفائس میراث فرهنگ بشری است و در کتابخانه آستان قدس رضوی نگهداری می شود. پس از مراجعه به مآخذ معتبر قدیمی و نفیس، معلوم شد که عبارت فوق، ناقص نقل شده و صورت درست آن اینچنین بوده است: «و الماء المنقوع فيه الأفسنتین أو المطبوخ فيه، إذا شرب عدّة أيام فی کلّ یوم مقدار ثلاث قواثوسات، شفی عدم شهوه الطّعام و الیرقان، و إذا عُجِنَ بماء العسل و احتُمِلَ، أدّرّ دم الحیض، و ینفع من الإختناق الحادث عن أكل الفطر مشروباً مع الخل» (۵،۶). یعنی «چنانچه خیسانده یا جوشانده افسنتین را چند روز پی در پی هر روز به اندازه سه قواثوس بیاشامند، بی میلی به غذا و بیماری یرقان را بهبود بخشیده و چنانچه خمیره ای از افسنتین و آب عسل را

نویسنده اول مشخص شد که اکثر عباراتش، از آغاز تا انجام، پُر از تصحیف، لغزش های املائی، دستوری، نواقص و جابجائی بوده و آنچه را که برخی از ارزیابان درباره محسّنات و ارزش های این نسخه ها مبالغه کرده اند، تنها از دیدگاه نسخه شناسی بوده و از دیدگاه کارشناسی و ارزش محتوایی، ادعاهای یادشده، بی پایه و مبتنی بر ساده اندیشی هستند. برای مثال، می توان به این چند مورد اشاره کرد:

* لغزش در نگارش واژه ها با افزودن، کاستن یا تغییر در حروف اصلی. گاهی آن چنان تغییری در کلمه پدید آمده که شناسایی هدف و منظور از آن را بسیار دشوار یا غیرممکن ساخته (۵،۶)، اما خوشبختانه پس از تحقیق و تفحص و مراجعه به مآخذ معتبر، صورت درست اکثریت قریب به اتفاق کلمات یادشده شناسایی و تصحیح شده است. برخی از این موارد عبارتند از:

گفتار	واژه نادرست متن اصلی	واژه اصلاح شده معرب	واژه ماخذ
۲	انانالیدهساناگالس	اناغالیس	Anagallis
۴	فهلهمهنونقلومنون	قلومنون	Klumenon
۴	امفهلوس مهلهیا	امفلوس ملانا	Ampelos Melaina
۴	ایفوفواوساوتوفایس	ایفوفایس	Hippophaes
۴	برهططانیقی	برطانیقی	Brettanike

* غفلت در نقطه گذاری حروف. این امر به طور وسیعی اتفاق افتاده و در برخی از موارد شناسایی مفهوم و معنی کلمه یا جمله را مشکل ساخته است. به عنوان مثال در بسیاری از موارد، کلمه «خل = سرکه»، بی نقطه آمده، و باید توجه داشت که «حل» می تواند به معنی «کنجد»، «روغن کنجد» و «جیوه» هم باشد (۱۰، ۱۱). هم چنین غالباً کلمه «جین = پنیر»، بصورت «جین» آمده که می تواند به معنی «استسقاء»، «آماس» و معانی متعدد دیگری هم باشد (۱۱). در موارد دیگری، کلمه «جمار» که به معنی «پیه خرما» می باشد، بصورت «جمار» به معنی «الاغ» و «چارپا» آمده است (۱۳-۱۰). در مواردی، کلمه «نخل = درخت خرما»، بصورت «نحل» آمده که به معنی «زنبور عسل» و معانی متعدد دیگری است (۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۰). در برخی موارد، کلمه «فوقی»، بصورت «قوقی» یا «قوق» آمده که اصل آن به معنی جانوری است، در حالیکه تصحیف آن به معنی «طاس»، «مرد بلند اندام» و معانی دیگری است (۱۳-۹، ۱۶، ۱۵). هم چنین اصطلاح «وجع الجنین = درد پهلوها» در برخی موارد، به صورت های «وجع الجینین = درد جنین» و «وجع الحسین = درد حسین» آمده

از راه موضعی بکار برند، خون قاعدگی را روان می‌سازد و چنانچه افسنتین را همراه با سرکه، از راه خوراکی مصرف نمایند، برای درمان خفگی ناشی از خوردن قارچ سمی سودمند خواهد بود.

مثال دیگر در گفتار چهارم است که ضمن ویژگی‌های درمانی ماده «مفلوس لوقی» آمده است:

«وقد یعملُ ضمادٌ مع البول علی الطّحال» (۵،۶). یعنی «از آمیختن این گیاه با پیشاب (ادرار) ضمادی ساخته، بر طحال بمالید».

پس از مراجعه به مآخذ پیش‌تر یادشده، آشکار شد که صورت درست آن عبارت، این‌گونه بوده است:

«و قد یعمل منه ضمادٌ مع التّین علی الطّحال». یعنی «از آمیختن این گیاه با انجیر...».

* در نمونه‌های دیگر، عبدالله بن عبدی در کتاب خود آورده است: عن عائشة قالت قال رسول الله (ص): علیکم بالشوتیر فانه شفاء من کل داء الا السلام. در پاورقی همان صفحه در ذیل کلمه شوتیر آمده است: منظور از شوتیر احتمالاً عسلی است که همراه با موم مستقیماً از کندوها استخراج شده باشد. در اینجا باید توجه داشت که کلمه «شوتیر» تصحیفی است از «شونیز» و شونیز به معنی سیاه‌دانه است و هیچ ارتباطی به عسل ندارد (۱۴).

۴) زمان انتشار منبع

برخلاف متون جدید که باید تاریخ انتشار آن به هنگام باشد، در استفاده از متون قدیمی هرچه منبع مورد استفاده به زمان نوشتن کتاب یا اثر علمی توسط مولف اصلی نزدیک‌تر باشد و از واسطه‌های کمتری در نقل قول استفاده کرده باشند، ارزش بیشتری خواهد داشت، هم‌چنان که در اخبار و روایات نقل شده از معصومین (ع) نیز صادق می‌باشد. چون هرچه از زمان نگارش منبع فاصله گرفته شود، احتمال ورود لغزش‌های نگارشی و تحریف املائی و تاویل به معنا بیشتر است.

۵) چگونگی منبع‌نویسی

صفحه‌بندی بر اساس شماره صفحه در کتاب‌های خطی متداول نبوده است. پیشینیان حتی مدت‌ها بعد از اختراع صنعت چاپ، بجای شماره‌گذاری صفحه‌های کتاب، نخستین کلمه صفحه بعد را در گوشه سمت چپ انتهای هر صفحه، زیر آخرین سطر می‌نوشتند تا با این کار، از جابجایی صفحه‌ها جلوگیری شود، ولی ارزش این کار برای توالی درست صفحات یک کتاب به اندازه شماره‌گذاری نبود. یکی از مصادیق این موضوع، کتاب مفید الخاص (۱۷) منسوب به رازی است که دو

بار توسط کارشناسان برجسته، شماره‌گذاری شده، ولی نیاز به تجدید نظر جدی دارد و درست نبودن توالی آخرین صفحه‌گذاری برای اهل فن، آشکار است (۱۸). در همین رابطه باید یادآور شویم در صورت نقل مطالب از نسخه‌های خطی، ممکن است نتوانیم شماره صفحه مآخذ را نقل کنیم و تنها می‌توان پس از نام مولف و کتاب، نام نویسنده، تاریخ کتابت، محل نگهداری و فصل یا بخش مورد نظر را نام برد.

۶) شیوه‌های نقل قول

از سبک‌های گوناگونی در نگارش کتاب‌های خطی استفاده شده است. اصولاً هر یک از دانشمندان گذشته بسته به رشته تخصصی خود، شیوه خاصی در نگارش بکار می‌برده است. یکی از شیوه‌های نگارش بسیاری از کتاب‌های طبی معتبر در گذشته این‌چنین بوده که نویسنده، تجربیات و نظرهای خود را بطور مشخص به خودش نسبت می‌داده و اگر موضوعی را از کسی نقل می‌کرده است، معمولاً نام منبع، نام نویسنده و فصل یا گفتاری از آن منبع را با دقت نقل می‌کرده، سپس موضوع مورد نظر خود را می‌آورده است. مثلاً رازی می‌گوید: (ج الثامن من کتاب... = جالینوس در گفتار هشتم از کتاب... آورده است...) یا (مجهول = به گفته یک نویسنده ناشناس...) و یا (تذکرهٔ عبدوس = در کتاب تذکره عبدوس آمده است...) و در مواردی که از خودش بوده می‌گوید (لی = به نظر من) (۱۹). در این موارد، پژوهشگر باید در صورت امکان بتواند منابع مورد استفاده مولف را پیدا کند و به مقایسه تطبیقی نقل قول‌ها بپردازد. این کار در طب سنتی تاکنون، کم سابقه یا بی‌سابقه بوده است، زیرا مثلاً منابع مورد استفاده رازی و ابن‌سینا کمتر در دسترس هستند. در اینجا باید یادآور شد که برای ترجمه و تصحیح نسخه پیش‌تر یادشده فرهنگستان، از منابع متاخرین استفاده شده، در حالیکه برای ترجمه و تصحیح نسخه دانشگاه تهران از کتاب‌های دیسکوریدس، جالینوس و دیگر متقدمین بهره گرفته شده است.

۷) استخراج واژه‌های قدیمی و تطبیق آنها با دانش نوین

بطور کلی، نگارش مقاله مستند استخراج شده از کتاب‌های خطی و منابع قدیمی عربی، کار آسانی نبوده و در بسیاری از موارد تنها حدس زدن و گمانه زدن محتمل‌ترین صورت صحیح یک کلمه یا اصطلاح، می‌تواند امکان‌پذیر باشد. به چند نمونه زیر توجه فرمائید:

* منظور از واژه «ذیابیطس» همان «دیابت» است.

- * منظور از واژه صفاصموس همان «اسپاسم (SPASM)» است.
- * منظور از واژه «اوریطی» همان «آئورت (AORTA)» است.
- * منظور از واژه «قارالیسا» همان «پارالیزی (PARALYSIS)» است.
- * منظور از واژه «ابیلیمسا» و «ابیلیمسیا» همان «اپی لپسی (EPILEPSY)» است.
- * منظور از واژه «ابورسما» همان «آنوریسم» است.

۸) دسترسی به اصل منبع

پژوهشگری که قصد استفاده از متون قدیمی بویژه کتاب‌های خطی را دارد، اگرچه ممکن است برخی از این منابع بصورت میکروفیلم درآمده باشند و با دادن درخواست به یک کتابخانه معتبر، نسخه‌ای از آن میکروفیلم را بدست آورد، اما برای یک پژوهشگر، از یکسو مشاهده نسخه اصل از اهمیت خاصی برخوردار است و از سوی دیگر، بسیاری از نسخه‌های خطی که به عنوان نفائس و نسخه‌های منحصر به فرد شناخته می‌شوند، هنوز بصورت میکروفیلم درنیامده یا به آسانی قابل وصول نیستند. از همین رو باید به کتابخانه نگهدارنده کتاب مورد نظر مراجعه کرد و در صورت پاسخ مثبت، در همان محل به تحقیق پرداخت.

در همین رابطه باید توجه داشت که در باره هر موضوع و در هر شاخه از علوم مختلف، در طول یک سال، صدها و حتی هزاران کتاب و مقاله به زبان‌های مختلف نوشته و منتشر می‌شود. فاصله زمانی نگارش کتاب‌های معتبر در قرن‌های گذشته بویژه در قرون وسطی و پیش از آن ممکن است ده‌ها سال یا بیشتر باشد و بعضاً از روی متون و یا کتب قدیمی، متن یا کتاب جدیدی منتشر می‌گردد که بهرحال دسترسی به قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین متون ضروری و الزامی است.

۹) محدودیت منابع متون قدیمی

یکی از مشکلات پژوهشگر معاصر برای استفاده از منابع قدیمی، محدودیت منابع است. به این معنی که در یک موضوع خاص مثل علوم پزشکی از آغاز ظهور اسلام تا قرن چهارم ممکن است کتاب‌های معتبری بیش از چند نسخه انگشت‌شمار پیدا نکنیم، تازه اگر نسخه موردنظر، سالم، خوانا و قابل فهم باشد. چنین کتاب‌هایی معمولاً به زبان عربی هستند و این محدودیت منابع قدیمی یکی از مشکلات تحقیق بشمار می‌آید.

نتیجه گیری

روی هم رفته، با توجه به اینکه هدف از بازبینی متون قدیمی و کتاب‌های طب باستانی، تصحیح و برگردان مطالب ارزشمند آنها به زبان فارسی و ارائه به مجامع علمی و دانشگاهی است تا بتوانند هرچه بیشتر به فرهنگ پربار و استوار گذشته خود آگاهی یافته و در کارهای آموزشی، درمانی و پژوهشی خود با اطمینان از آنها استفاده نمایند (۲۰، ۲۱)، باید برای شناسایی، تصحیح، معادل‌سازی و قابل فهم کردن کلمه به کلمه هر متن قدیمی، از ده‌ها منبع معتبر قدیمی و نوین پزشکی استفاده کرد. در نتیجه اگر برای تصحیح و بازشناسی یا معادل‌سازی یک کلمه یا عبارت، از چند یا چندین منبع استفاده شده و یا اگر در متن مقاله از یک واژه یا اصطلاح قدیمی استفاده شده و نیاز به توضیحات ضروری مفصلی دارد، نمی‌توان از شیوه رایج در نگارش مقالات علمی- پژوهشی متعارف استفاده کرد. در این صورت بهتر است که موضوع اصلی نقل و ترجمه شده، در حد امکان بی کم و کاست، به عنوان متن مقاله آورده شود و اگر برای تحقیق در مورد هر کلمه، اصطلاح یا عبارتی بیش از یک منبع بکار رفته، منبع اصلی با یک شماره مشخص شود و سایر منابع در بخش منابع مقاله به عنوان منابع کمکی ذکر شوند. هم‌چنین، اگر موضوعی از کتاب خطی یا قدیمی که در اصل بدون شماره صفحه بوده، نقل می‌شود، ضرورتی به ذکر شماره صفحه نباشد.

بهتر است توضیحات مربوط به کلمات یا عبارات مهم که برای اهل تحقیق ارزش دارند، بصورت پاورقی آورده شوند و متن اصلی در حد امکان، مستخرج از متون قدیمی بدون اضافات باشد و از آوردن واژه‌های نامانوس قدیمی در متن خودداری شود و مثلاً بجای آوردن واژه‌هائی همچون «صداع» یا «شقیقه» در متن مقاله، معادل‌های نوین آنها یعنی «سردرد» و «میگرن» آورده شوند و در پاورقی اشاره شود واژه اصلی مربوط آنها «صداع» و «شقیقه» بوده است.

در نهایت، برای استفاده از متون قدیمی و غیررایج برای زمان حال، علاوه بر دانش فرد پژوهشگر در زبان و موضوع تحقیق و اصل امانت‌داری و ارجاع به نسخ اصلی یا نزدیک به اصلی، با مشاوره و رایزنی با متخصصین مربوطه این مهم انجام گیرد (۲۰، ۲۱).

در پایان یادآور می‌شویم که با توجه به موارد فوق، چنان‌چه پژوهشگری بخواهد به استناد ترجمه کتاب قانون ابن سینا، مقاله‌ای بنویسد، باید نه تنها به نسخه عربی و تا حد امکان چندین نسخه قدیمی عربی مراجعه کند، بلکه آنها را با هم مقایسه و مقابله کند و درست‌ترین آنها را برگزیده، کلمه به کلمه را با دقت بازبینی نماید تا با اطمینان هرچه بیشتری، بتواند تأیید

یا نقد مبتنی بر حقیقت را انجام داده، صرفاً بر اساس حدس و گمان نپردازد و از مشمول شدن مصداق آیه شریفه «إِنَّ الظَّنَّ لَا یغنی من الحقِّ شیئاً» (۲۲) خودداری نماید.

تقدیر و تشکر

REFERENCES

- ۱- ابن سینا، نویسنده. کتاب قانون در طب. شرفکندی ع، مترجم. تهران: انتشارات سروش؛ سال ۱۳۶۴ ه.ش. صفحه ۵.
- ۲- بیرونی ا. الصیدنه فی الطب. تهران: مرکز نشر دانشگاهی؛ سال ۱۳۷۰ ه.ش. صفحات ۱۴ و ۶۴۱.
- ۳- طباطبائی س م، نویسنده. خلاصه کتاب الحاوی رازی. چاپ اول. مشهد: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی مشهد؛ سال ۱۳۸۷ ه.ش. صفحه ۳۶-۳۳.
- ۴- جزائری س ن. لواعع الانوار فی شرح عیون الاخبار. نسخه خطی شماره ۱۸۱۷. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی؛ مشهد، ایران. سال کتابت ۱۱۰۶ هجری قمری.
- ۵- دیسقوریدس پ، نویسنده. الحشائش و هو هیولی الطب. مهران بن منصور بن مهران، نویسنده. نسخه خطی شماره ۵۰۷۹، واقف: شاه عباس صفوی. تاریخ کتابت حدود قرن هفتم هجری قمری. کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. مشهد، ایران.
- ۶- دیسقوریدس پ، نویسنده. الحشائش و هو هیولی الطب. مهران بن منصور بن مهران، مترجم. نسخه خطی موزه گلستان. تاریخ کتابت ۱۰۳۸ هجری قمری. کتابخانه موزه گلستان، تهران، ایران.
- ۷- رازی م، نویسنده. کتاب الحاوی. افشاری پور س، مترجم. تهران: فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران. سال ۱۳۸۴ ه.ش. صفحات ۵۰-۳.
- ۸- رازی م، نویسنده. کتاب الحاوی الکبیر فی الطب. طباطبائی س م، مترجم. تهران: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی تهران؛ سال ۱۳۸۳ ه.ش. صفحات ۱۷۱-۴۸.
- ۹- ابن البیطار ع، نویسنده. تفسیر کتاب دیاسقوریدس. ابراهیم بن مراد، محقق. بیروت، لبنان: دار الغرب الاسلامی؛ سال ۱۹۸۹ م. صفحه ۲۳۴-۴۳.
- ۱۰- زبیدی حنفی م، نویسنده. تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت، لبنان: دار الفکر؛ سال ۱۹۹۴ م. صفحات ۷۲۵-۱۲۷.
- ۱۱- جوهری ا، نویسنده. الصحاح اللغه. چاپ چهارم. بیروت، لبنان: دار العلم للملایین؛ سال ۱۹۷۸ م. صفحه ۲۰۹۶-۱۶۷.
- ۱۲- فیروزآبادی م، نویسنده. القاموس المحیط. بیروت، لبنان: المؤسسة العربیة للطباعة و النشر؛ ص ۴۰۷.
- ۱۳- الفیومی ا، نویسنده. المصباح المنیر. چاپ اول. قم، ایران: دار الهجرة؛ سال ۱۴۰۵ ه.ش. صفحه ۱۵۰.
- ۱۴- خلف تبریزی م، نویسنده. برهان قاطع. تهران: چاپخانه زر. بی تا
- ۱۵- معلوف ا، نویسنده. معجم الحیوان. القاهرة، مصر انتشارات المقتطف؛ سال ۱۹۳۲ م. صفحه ۱۸۸.
- ۱۶- زکریا ا، نویسنده. معجم مقاییس اللغه. بیروت، لبنان: مکتبه الاعلام الاسلامی. سال ۱۴۰۴ ه.ش. صفحه ۴۲.
- ۱۷- رازی م، نویسنده. مفید الخاص. نسخه خطی شماره ۱۳۵، واقف: نادرشاه. تاریخ کتابت حدود ۷۴۰ هجری قمری. کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. مشهد، ایران.
- ۱۸- عرفانیان غ، نویسنده. فهرست کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. سال ۱۳۸۰. صفحه ۶۸۷.
- ۱۹- رازی م، نویسنده. الحاوی الکبیر فی الطب. چاپ اول. حیدرآباد، دکن، هندوستان: موسسه دائره المعارف عثمانی. سال ۱۹۶۰ م. صفحات ۲۲۱-۷۵. [به عربی]
- ۲۰- طباطبائی س م، کلاترهمزی ع. مطالعه تطبیقی سردرد از کتاب الحاوی و اصول نوین پزشکی. مجله پژوهش در پزشکی. سال ۱۳۸۸؛ دوره ۳۳، شماره ۱: صفحه ۱-۴.
- ۲۱- طباطبائی س م، کلاترهمزی ع. چشم پزشکی از کتاب الحاوی رازی و مقایسه آن با دانش نوین پزشکی. مجله پژوهش در پزشکی. سال ۱۳۸۸؛ دوره ۳۳، شماره ۲: صفحات ۶۳-۵۹.
- ۲۲- قرآن کریم. سوره مبارکه بونس، آیه ۳۶.